

## توطئه رژیم برای بی اعتبار کردن قیام ۱۵ خرداد

۱۷ اسفند ۱۳۹۴ ساعت ۲۰:۵۶

پس از قیام عظیم ۱۵ خرداد، رژیم شاه کوشید تا این قیام مردمی را به خارج از مرزهای ایران وصل کرده و بدین ترتیب از اهمیت آن بکاهد؛ لذا در ادعایی که هیچ سندی درمورد آن ارائه نکرد مدعی شد که مخالفان رژیم با دریافت پول از خارج (مشخصاً از جمال عبدالناصر) واقعه ۱۵ خرداد را رقم زده‌اند.

پس از قیام عظیم ۱۵ خرداد، رژیم شاه کوشید تا این قیام مردمی را به خارج از مرزهای ایران وصل کرده و بدین ترتیب از اهمیت آن بکاهد؛ لذا در ادعایی که هیچ سندی درمورد آن ارائه نکرد مدعی شد که مخالفان رژیم با دریافت پول از خارج (مشخصاً از جمال عبدالناصر) واقعه ۱۵ خرداد را رقم زده‌اند. ۲۵ خرداد ۱۳۴۲

گزارش خنده دار رئیس ساوا که انقلابیون پول گرفته اند!

اطلاعیه‌ای امروز پیرامون وقایع اخیر به وسیله تیمسار سرلشکر پاکروان معاون نخست وزیر و رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور در اختیار جراید و خبرگزاری‌ها گذاشته شد.

پاکروان با اسم بردن از شخصی عرب با نام محمد توفیق القیسی که مبالغی پول به ایران آورده بود تا بین آشوبگران پخش کند ولی دستگیر شده است اظهار داشت: «تکته قابل توجه در اظهارات متهم یعنی محمد توفیق القیسی این است که در طی ماه‌های گذشته غیر از خود او عده دیگری در طی مسافرت‌های متعدد به ایران میلیون‌ها تومان پول به ایران آورده‌اند. آن چه که محمد توفیق القیسی شخصاً در ظرف یک سال اخیر به ایران آورده است بالغ بر ۵ میلیون تومان می‌گردد و این مبلغ را به طرف‌های تماس خود در تهران تحویل داده است.» [روزنامه اطلاعات، ۲۵ خرداد ۱۳۴۲، صفحه ۱۳][۱]

روزنامه اطلاعات و جدایی دین از سیاست!

روزنامه اطلاعات در سرمقاله ۲۵ خرداد ۴۲ با اشاره به اظهارات اخیر اسدالله علم نوشت: در مقاله «مرتجع کیست» نوشته بودیم این عبارت به هیچ وجه به یک صنف و طبقه بخصوص اطلاق نمی‌شود زیرا در هر طبقه‌ای همه جور آدم هست.

در ادامه این مقاله آمده است «در جامعه روحانیت ما نیز همیشه افکار و عقاید مختلف دیده شده است بسیاری از روحانیون مطلقاً معتقدند که مرد دین به دنیا کاری ندارد و سرشان به عبادت و تسبیح خودشان گرم است. بعضی روحانیون بعکس معتقدند که امور دنیا از دین جدا نیست و باید روحانیت در مسائل روز دخالت کند. تازه بین طرفداران این دو نظر که هیچ وقت عقیده هیچ کدام در جامعه روحانیت بر کرسی ننشسته و طرفداران عقیده دیگر را جلب نکرده است تندرو هست، کند رو هست، معتدل هست و افراطی هست.»

در ادامه این مقاله می‌خوانیم «البته یک نکته در عالم روحانیت مورد اتفاق است که عالم روحانی باید اعمال و افعالش صرفاً متوجه عالم معنا و منزله از اهواء و جاه طلبی‌ها و حب و بغض‌های عالم مادی باشد و آن وقار و طمانینه و جذبه و متانتی که در حرکات و سکنات و در ناصیه اغلب علمای روحانی دیده می‌شود بر این جنبه و این نکته است»

نویسنده می‌افزاید «احترام روحانی و روحانیت در جامعه نیز وابسته به همین اصل است یعنی هر چقدر جامعه روحانیت و مرد روحانی از عالم ماده دورتر و به عالم معنی نزدیک تر باشد خود به خود احترام بیشتری جلب می‌کند» [رک اطلاعات، ۲۵ خرداد ۱۳۴۲، صفحه ۲][۲]

پی نوشت‌ها:

[۱] برای درک چرایی موضع‌گیری این چنینی پاکروان باید نگاهی گسترده داشت و موضع کل دولت وقت را درباره قیام ۱۵ خرداد بازخوانی کرد. محمدرضا پهلوی در روز ۱۷ خرداد، دو روز پس از قیام خونین پانزده خرداد، در سخنانی گفت: «باید به شما بگویم که متأسفانه چه کسانی بساط ۱۵ خرداد را به راه انداختند، کما اینکه در میان کسانی که زخمی شده‌اند یا دستگیر شده‌اند خیلی از آنها می‌گفتند که ما چکار کنیم؟ ۲۵ ریال پول داده‌اند و می‌گفتند در کوچه‌ها بدوید و بگوئید زنده باد فلانی [امام خمینی(ره)] حالا می‌دانیم این وجوه از کجا رسیده است و به شما ملت ایران به زودی جزئیات گفته خواهد شد. فقط این موضوع اولاً از لحاظ ایرانی‌ت یک ایرانی که پول خارجی را بگیرد و بر ضد جامعه خودش اقدام کند، این را چه می‌شود گفت؟ و دوم یک نفر شیعه پول بگیرد از یک نفر مسلمان غیرشیعه (منظور جمال عبدالناصر است) این چیست؟ و این خون‌هایی که در روز ۱۵ خرداد ریخته شد به گردن کیست؟ کی مسئول این خون‌ها است؟... و باید بگویم که کسانی که بساط پانزدهم خرداد را به راه انداخته و باعث ریخته شدن خون‌ها شده‌اند بزودی به سزای اعمال خودشان خواهند رسید...»

همچنین در کتاب خود (و یا منسوب به او) به نام انقلاب سفید راجع به قیام خونین ۱۵ خرداد و رهبری امام نوشت: «... این غائله به تحریک عوامل ارتجاع توسط شخصی صورت گرفت که مدعی روحانیت بود... در عوض مسلم بود که این شخص ارتباط مرموزی با عوامل بیگانه دارد، بطوریکه بعداً دیدیم که رادیوهای آوارگان بی‌وطن حزب سابق توده، یعنی حزبی که اصولاً با خداشناسی

مخالف بوده از این شخص به کرات با عنوان آیت‌الله تجلیل کردند و مقام او را به اصطلاح معروف به عرش رسانیدند ولو اینکه  
احیاناً تحریکات این شخص از جای دیگری آب می‌خورد... بلوای پانزدهم خرداد ۴۲ بهترین نمونه اتحاد نامقدس دو جناح ارتجاع  
سیاه و قوای مخرب سرخ بود که با پول دسته‌ای از ملاکین که مشمول قانون اصلاحات ارضی شده بودند انجام گرفت.»

بی‌پایه بودن این اظهارات واضح‌تر از آنست که نیاز به استدلال داشته باشد. اسدالله علم، نخست‌وزیر، نیز در مصاحبه‌ای با روزنامه  
نیویورک هرالڈ تریبون در روز ۱۷ خرداد ۴۲ گفت: «... ۱۵ نفر از بزرگترین پیشوایان مذهبی که در آشوب ضددولتی این هفته در  
شهرهای مختلف دست داشته‌اند تسلیم محکمه نظامی خواهند شد و محکمه نظامی ممکن است معنی مجازات اعدام را داشته  
باشد.» وی اضافه کرد: «در نتیجه تیراندازی مأمورین در حدود ۲۰ نفر کشته شده‌اند. بعضی از سران آشوبگران مخفی شده‌اند ولی  
ما رؤسای آنها را دستگیر کرده‌ایم.»

سرلشکر پاکروان، رئیس ساواک نیز در مصاحبه‌ای مطبوعاتی در عصر روز ۱۵ خرداد اظهار داشت: «... اخیراً روش بعضی از  
روحانیون طوری بوده است که اشکالات قابل ملاحظه‌ای ایجاد کرده است و اولیای امور را وادار نموده است برای حفظ مصالح  
عالیه کشور اقدام نمایند... این اشخاص بدون در نظر گرفتن مصالح عالیه کشور با تمام عناصر مرتجع همدست شدند و متوالیاً  
تحریک کردند از هیچ‌کار کوتاهی نکردند، از هیچ تهمتی خودداری نکردند و کار بجایی رسید که با عوامل خارجی تماس گرفتند و  
اگر به بعضی حرفهای آنها توجه فرمایید خود خواهید فهمید که چه نقشه‌هایی داشته‌اند... یکی از خبرنگاران پرسید از چه کشور  
خارجی پول وارد شده؟ پاکروان پاسخ داد در این مورد بعداً اطلاع خواهیم داد!» وی در پایان این مصاحبه مطبوعاتی در کمال  
بیشرمی اعلام داشت: «یک موضوع روشن است و آن اینکه توده مردم موافق این جریان نبودند.»

اسناد صورت مذاکرات هیئت دولت علم در روزهای ۱۵ و ۱۸ و ۲۹ خرداد ماه ۴۲ که در سال ۶۳ منتشر شد حکایت از وحشت و  
سرگیجه اعضای هیأت دولت وقت و از جمله نخست‌وزیر از عمق و دامنه قیام دارد. آنها گرچه مردم و مسلک قیام را به گمان خود  
«ارتجاع» و «کمونیسم» می‌دانستند اما اعتراف داشتند که «حادثه بزرگی اتفاق افتاده» و اعلام حکومت نظامی «آخرین  
تیرترکش بوده است». در عظمت قیام همان بس که آنرا قابل مقایسه با هیچ یک از قیامهای گذشته نمی‌دانستند: «بلوای امروز  
(۱۵ خرداد) شبیه به هیچکدام [از قیامهای گذشته] نیست. این از [قیام] سیام تیر هم مهمتر است.» ، و به همین علت بود که  
با وجودی که ساواک و نیروهای انتظامی اطلاع قبلی داشتند اما عملاً کاری نتوانستند برای پیشگیری آن انجام داده و غافلگیر  
شدند. علم مذبحخانه می‌کوشد تا آنرا به عوامل خارجی و پول خارجی مثل عراق و مصر نسبت دهد ، اما وزیر خارجه این احتمال  
را - دست کم در مورد عراق - قبول ندارد، زیرا «دولت عراق اعلامیه‌های علما [ای عراق] را نگذاشت منتشر کند. دولت عراق گفته  
است ما با دولت ایران دوست هستیم.» بنابراین به ماهیت مردمی قیام و استقبال توده مردم و حتی کارمندان دستگاه‌های دولتی  
از آن تلویحاً معترف بودند ، چنانکه «در روز بحران [۱۵ خرداد] یک بعداز ظهر دختران [به نشانه پشتیبانی از قیام] با چادر  
سرکار آمدند.» لذا دولت می‌بایست با مردم اظهار همدردی نموده و «ژست تأثرآمیزی برای کشته‌شدگان گرفته شود» . اما با  
این اقدامات نمی‌توانستند مسأله را تمام شده بدانند بلکه «باید تصمیم قاطع گرفت [زیرا] اگر سست بگیریم مملکت از میان  
می‌رود» و باید در جستجوی پایگاه اجتماعی مشخص در آینده می‌بودند تا در مقابل توده‌های مذهبی و ناراضی از رژیم محافظت

نمایند: «با زور می‌توان مسأله را خاموش کرد، اما باید جامعه به نیروهایی متکی بشود. والا نمی‌توان همیشه با سرنیزه و زور [کشور را] اداره کرد بنده (وزیر اقتصاد) استدعایم اینست که نباید فکر کرد مسأله تمام شده است.»

روزنامه‌های کشور نیز که تحت اداره و سانسور شدید ساواک قرار داشتند اخبار و گزارشاتی مطابق میل و سیاست رژیم منتشر می‌کردند. از جمله روزنامه اطلاعات در روز ۱۵ خرداد، تظاهرکنندگان روز ۱۴ خرداد را دو گروه دویست نفری و یک هزار نفری «مهاجم» و «چماق بدست» معرفی کرد که بدون هدف و انگیزه و تنها از سر شرارت هر آنچه را که سر راه خود می‌دیدند نابود می‌کردند و ملاحظه هیچکس را نمی‌نمودند، از جمله آنکه به یک اتومبیل حامل دوشیزگان حمله کردند! و تنها در سطر آخر آمده بود که: «در نتیجه این حادثه و مداخله‌ی مأمورین انتظامی عده بیشماری به قتل رسیده‌اند.» رک زندگینامه سیاسی امام خمینی (ره)، از آغاز تا هجرت به پاریس، محمدحسن رجبی، ج ۱، ص ۲۲۶

چنان چه دیده می‌شود رژیم شاه از قیام ۱۵ خرداد شدیداً شوکه شده بود و طبیعی است که برای تحقیر و از سر راه برداشتن مانع به این بزرگی به هر چیزی متوسل شود از توهین به علما تا عامل خارجی دانستن آنان ولی مطالعه ریز مذاکرات هیئت دولت در آن برهه نشان می‌دهد که خود سران رژیم شاه آن چه که به رسانه‌ها می‌گفتند را باور نداشتند و این برای فریب توده‌ها بود که گفته می‌شد ۱۵ خرداد با پول خارجی آغاز و ادامه یافته است!

[۲] امام خمینی (ره) در منشور روحانیت به این مسئله به زیبایی اشاره کرده‌اند. ایشان تأکید می‌کنند «در شروع مبارزات اسلامی اگر می‌خواستی بگویی شاه خائن است، بلافاصله جواب می‌شنیدی که شاه شیعه است! عده‌ای مقدس‌نمای واپس‌گرا همه چیز را حرام می‌دانستند و هیچ کس قدرت این را نداشت که در تعامل آنها قد علم کند. خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است، هرگز از فشارها و سختی‌های دیگران نخورده است. وقتی شعار جدایی دین از سیاست جا افتاد و فقاقت در منطق ناآگاهان غرق شدن در احکام فردی و عبادی شد و قهراً فقیه مجاز نبود، که از این دایره و حصار بیرون رود و در سیاست و حکومت دخالت نماید، حماقت روحانی در معاشرت با مردم فضیلت شد و به زعم بعضی افراد روحانیت، زمانی قابل احترام و تکریم بود، که حماقت از سراپای وجودش ببارد و الا عالم سیاسی و روحانی کاردان و زیرک، کاسه‌ای زیر نیم کاسه داشت و این از مسایل رایج حوزه‌ها بود، که هر کس کج راه می‌رفت متدین تر بود.» رک صحیفه امام (ره)، ج ۲۱، ص ۲۷۹ - ۲۷۸

منبع: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

